

ترکیه

چالش‌های ادبی و فرهنگی معاصر

گفت‌وگو با: ندیم گورسل، احمد تلی، عایشه کولین،
آتاتول بهرام‌اوغلو، تونا کر میتچی، به همراه نشستی در باره احمد عارف



گفت‌وگو و ترجمه: سعید فکری

ترکیه

چالش‌های ادبی و فرهنگی معاصر

گفت‌وگو با: ندیم گورسل، احمد تلّی، عایشه کولین،
آتانول بهرام اوغلو، تونا کر میتچی، به همراه نشستی در باره احمد عارف

گفت‌وگو و ترجمه: سعید فکری

با پیش‌گفتار دکتر آرمین اسکندری

نشر پایان

چاپ یکم: ۱۴۰۰

سرشناسه	:	فکری، سعید، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	ترکیه، چالش‌های ادبی و فرهنگی معاصر: گفت‌وگو با ندیم گورسل، احمد تلی، عایشه کولین، تونا کریمیتیچی، آتاتول بهرام‌اوغلو و احمد عارف/ گفت‌وگوها سعید فکری.
مشخصات نشر	:	تهران: پایان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۱۲ ص.؛ ۵/۲۱×۵/۱۴
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۲-۶۳-۳
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	ادبیات ترکی -- ترکیه -- تاریخ و نقد
موضوع	:	-- History and criticism Turkish literature -- Turkey
موضوع	:	شاعران ترک -- ترکیه -- مصاحبه‌ها
موضوع	:	Poets, Turkish -- Turkey -- Interviews
رده بندی کنگره	:	۲۱۶PL
رده بندی دیویی	:	۸۹۴/۳۵۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۴۴۶۲۳۵

نشر پایان

ترکیه؛ چالش‌های ادبی و فرهنگی معاصر

گفت‌وگو و ترجمه: سعید فکری

گرافیک جلد: آریا برزن فروزان

ناشر: پایان، تلفن: ۰۹۱۹۴۹۴۷۶۸۸

چاپ یکم: ۱۴۰۰

چاپ و صحافی: پردیس دانش، تیراژ: ۵۰۰

www.Payanpub.com

E. mail: payan1379@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۲-۶۳-۳

قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان

فهرست

۵	 مقدمه
۷	 پیش گفتار (آرمین اسکندری)
۵۷	 ندیم گورسل
۱۲۱	 احمد تلی
۱۳۹	 عایشه کولین
۱۶۹	 تونا کر میتچی
۱۸۵	 آتائول بهراماوغلو
۱۹۹	 احمد عارف



مقدمه

ایران و ترکیه دو کشور همسایه با پیوندهای فرهنگی و ادبی دیرین است. همان گونه که فروغ و صادق ما را می‌شناسند، اورهان و یاشار آن‌ها را می‌شناسیم. در سال‌های دور تعامل در حوزه‌ی ادبیات بیشتر بود. فرخزاد، هدایت، شایگان، شاملو و بسیاری از آثار ما در ترکیه ترجمه می‌شد. هاشم خسروشاهی و محمت کانار تلاش بسیاری در این عرصه داشتند. یاشار کمال، لطیف تکین و آثار دیگری هم به فارسی ترجمه می‌شد. جلال خسروشاهی و رضا سیدحسینی خدمات ارزنده‌ای ارائه کردند.

امروز شاهد حرکت تقریباً یک طرفه‌ی ادبیات ترکیه در ایران هستیم. الیف شافاک، اورهان پاموک و عایشه کولین در صدر هستند. زولفو لیوانلی، احمد امید، تونا کر میتچی، آتیلا ایلهان، آتاتول بهرام اوغلو هم هستند. حالا که نگاه به ادبیات ترکیه در ایران پررنگ شده، من سعی کردم در قالب چند مصاحبه اطلاعات مفیدی را برای علاقه‌مندان این حوزه فراهم کنم.

از دوست فرهیخته‌ام آقای دکتر آرمین اسکندری درخواست کردم یادداشتی در خصوص مدرنیته در ادبیات ترکیه بنویسد. در این یادداشت، ایشان با اشاره مختصری به تحولات سیاسی، اجتماعی و جریانات ادبی معاصر ترکیه، سعی در معرفی شاعران و نویسندگان کرده‌اند.

دوست عزیزم، خانم شاهزاده ایگوال، نویسنده ایرانی تبار ساکن ترکیه، در این راه کمک‌های فراوانی کردند.

امیدوارم، خدمت کوچکی باشد برای آشنایی با ادبیات ترکیه و همچنین به امید روزی که ادبیات ما هم در کشورهای همسایه به نیکی معرفی شود.

سعید فکری

آنکارا، بهار ۱۴۰۰

پیش‌گفتار

مدرنیته و جریان‌های ادبی در ترکیه

آنتونی گیدنز^۱ فیلسوف اجتماعی انگلیسی در کتاب خود تحت عنوان پیامدهای مدرنیته با بیان مفاهیم جدیدی در ماهیت مدرنیته، گذر عصر حاضر به دوران پسامدرن را رد می‌کند و معتقد است، در جهان امروزی ما نه در یک دوره پست‌مدرن بلکه در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که نتایج مدرنیته ریشه‌دارتر و جهانی شده و نهادهای خاص مدرنیته به طور بنیادی و برگشت‌ناپذیری نحوه‌ی درک مردم از جهان و خود را تغییر می‌دهند. وی معتقد است، مدرنیته وضعیت جدیدی است که در اروپای غربی از قرن ۱۷ میلادی آغاز و با گذشت زمان به کل جهان گسترش یافته و با ایجاد تغییر در شیوه زندگی و سازمانی شدن مدیریت کلان، وضعیت جدیدی به خود گرفته است. گیدنز در کتاب مصاحبه‌هایش با کریستوفر پیرسون^۲ تحت عنوان درک مدرنیته که در سال ۱۹۹۸ از طریق دانشگاه استانفورد به چاپ رسید، در تعریف مدرنیته می‌گوید: «مدرنیسم جایگزینی تفاوت‌ها برای ساختارهای سنتی با بیان تغییرات عصر حاضر در زمینه اجتماعی است».

رامین جهان‌بگلو در سری سخنرانی‌های خود در کتاب موج چهارم که توسط منصور گودرزی گردآوری و به فارسی ترجمه شده، معتقد است: «مدرنیته یک نوسازی مداوم به معنای آگاهی از شروع دورانی تازه است» و با مثالی از اوکتاویو پاز از زبان وی می‌گوید: «مدرنیته پیوسته تغییر شکل داده و ما هرگز موفق نمی‌شویم که آن را به جنگ بیاوریم». همچنین با اشاره‌ای به مقاله‌ی لویی آراگون با عنوان مقدمه‌ای به

۱۹۳۰ که در مجله انقلاب سورنالیستی^۳ چاپ شده، یادآور این جمله آراگون است «مدرنیته، کارکرد زمان می باشد».

وی در این کتاب برای مدرنیته معنای واحد قایل نمی شود و معتقد است چون مدرنیته، خود پیوسته در جست و جوی معنی است و هویت خود را با فاصله گرفتن از سنت بیان می کند، همواره بحران می آفریند. لذا برای مدرنیته تاریخ تولدی دقیق ذکر نمی کند. وی مجموعه ای از اتفاقاتی مانند اختراع دستگاه چاپ در سال ۱۴۳۶، سقوط امپراطوری بیزانس در سال ۱۴۵۳، کشف قاره آمریکا در سال ۱۴۹۲، جنبش اصلاح طلب مذهبی مارتین لوتر آلمانی^۴ در سال ۱۵۲۰ و تغییر نظام سلطنتی به جمهوری دموکراتیک در فرانسه و ایجاد لائسیته با انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ را تلنگری برای آغاز مدرنیته می داند.

یورگن هابرماس^۵ از فیلسوفان مدافع مدرنیته، نظریه پردازان اجتماعی معاصر و وارث مکتب فرانکفورت در مورد مدرنیته معاصر بر این باور است که مدرنیته روندی ناتمام است که در صورت تلاش جوامع در به کمال رساندن آن می تواند آینده ای روشن را پیش روی انسان ها قرار دهد. وی از معدود متفکران مکتب فرانکفورت و نظریه انتقادی^۶ است که با دیدی خوشبینانه به آینده و مدرنیته می نگرد. در حالی که اغلب نظریه پردازان نظریه انتقادی، دیدگاه مثبتی به پروژه روشنفکری و مدرنیته نداشتند. هابرماس از این رهگذر با بنیان گذاران مکتب فرانکفورت فاصله می گیرد و از بدبینی دیرپای اندیشه انتقادی دور می شود.

نقش تمدن شرق در سیر تکوینی مدرنیته و توسعه آن بعد از رنسانس اروپا، موضوعی قابل تأمل است. رنسانس، جنبشی مهم در دوران گذار بین سده های میانه (قرون وسطی) و دوران جدید محسوب می شود که آغازگر انقلاب علمی، اصلاحات مذهبی و پیشرفت فرهنگی و هنری در اروپا شد. این جنبش در سده ی ۱۴ میلادی از فلورانس در ایتالیا آغاز و در سده ی ۱۵ میلادی، شمال اروپا را نیز فرا گرفت و در طول

سه قرن در سراسر اروپا انتشار یافت و پایه‌های اقتصادی، سیاسی، هنری و علمی تمدن‌های کنونی غرب را بنا نهاد.

در قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی، نهضت ترجمه‌ی کتب مسلمانان به طور گسترده‌ای در اروپا پدید آمد. این نهضت از پایه‌های اصلی رنسانس و عامل اساسی رویکرد اروپاییان به علم و دانش بود. در این دوزان، آثار مهمی در پزشکی همچون کتاب طب الملکی علی بن عباس اهوازی، کتاب الحاوی، دائرةالمعارف بزرگ طب، و قانون ابن سینا و در علم حساب کتاب‌های جبر و مقابله خوارزمی به عبری و لاتین ترجمه شد.

تورج اتابکی، استاد تاریخ اجتماعی دانشگاه لیدن هلند، مدرنیته را یک شیوه‌ی زندگی مرتبط با نهادهای اجتماعی و سیاسی می‌داند که از میانه قرن ۱۶ میلادی در گوشه کنار جهان شکل گرفته است. با پدید آمدن استعمار، سیر طبیعی مدرنیته در شرق دچار ایستایی می‌شود. وی نظریات اروپا محور بودن مدرنیسم را مردود دانسته و نقش شرق در سیر تحول مدرنیته در دنیا را غیر قابل انکار می‌داند.

خلیل اینالجیک^۷، استاد تاریخ دانشگاه آنکارا و از نویسندگان تاریخ اسلام کمبریج، بر این باور است که از اواخر قرن شانزدهم، امپراتوری عثمانی به دلیل افزایش جنگ‌ها در دو جبهه‌ی شرق در برابر شاه عباس صفوی و جبهه غرب با روسیه‌ی تزاری؛ و غرب در برابر نیروهای ائتلاف کاتولیک به رهبری فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا؛ شوالیه‌های مالت در پادشاهی اورشلیم؛ جنگ ۱۵ ساله با پادشاهی اتریش؛ نیروهای اتحاد مقدس^۸؛ نبرد زنتا^۹ و نبرد وین^{۱۰} مجبور به عقب نشینی سیاسی شد و با امضای عهدنامه‌های صلح نصوح پاشا^{۱۱} و زهاب قصر شیرین^{۱۲} با سلطان صفویه و همچنین پیمان‌های یاش^{۱۳}، سیتواتوروک^{۱۴}، کارلویتس^{۱۵}، کوچوک کاینارجا^{۱۶}، بخارست^{۱۷}، ادیرنه^{۱۸} با کشورهای غربی، رو به تضعیف و تجزیه رفت. در آغاز قرن هفدهم، امپراتوری وارد مجموعه‌ای از بحران‌های داخلی و خارجی شد. بی‌توجهی به تحولات جهانی و منطقه‌ای، تاثیر مفتی‌ها و علمای دینی بر تصمیمات سیاسی و

اداری، دخالت گسترده نظامیان به خصوص فرماندهان یتنی چری^{۱۹} در امور اداری و عقب ماندن سپاه امپراتوری از فناوری جدید تسلیحاتی و دفاعی از عوامل اصلی این بحران‌ها بود. امپراتوری عثمانی برای حفظ قدرت جهانی خود در قرن هفدهم، اقدام به مجموعه اصلاحات گسترده با رویکرد به داخل و خارج در سیاست، سیستم نظامی و اداری نمود. این امر به مرور زمان منجر به اصلاحات فرهنگی نیز شد.

شروع اصلاحات بنیادی در امپراتوری عثمانی با روی کار آمدن سلطان احمد سوم^{۲۰} (۱۷۰۳-۱۷۳۰) و صدراعظم کاردان وی بنام داماد ابراهیم پاشا^{۲۱} آغاز شد. این دوره به عصر لاله^{۲۲} (۱۷۱۸-۱۷۳۰) معروف است. بعدها سلطان سلیم سوم^{۲۳} (۱۸۰۷-۱۷۸۹) اصلاحات به سبک اروپایی را آغاز کرد که نقطه عطف عبور از سنت به مدرنیته محسوب می‌شود. وی با اعلان سیاست نظام نوین توانست مسیر اصلاحات و مدرنیته را برای جانشینانش هموارتر کند.

در عهد سلطان محمود دوم^{۲۴} (۱۸۰۷-۱۸۳۹) اصلاحات جدی در امور اداری، نظامی و مالی اتفاق افتاد که سرآغازی برای صدور فرمان تنظیمات^{۲۵} شد. بعد از به سلطنت رسیدن پسرش عبدالحمید اول^{۲۶} (۱۸۶۱-۱۸۳۹)، این اصلاحات، تحت عنوان تنظیمات خیریه^{۲۷} اعلان رسمی شد. اصلاحات، با عزل سلطان عبدالعزیز اول^{۲۸} و به سلطنت رسیدن سلطان عبدالحمید دوم^{۲۹} (۱۹۰۹-۱۸۷۶) با تدوین قانون اساسی و اعلام مشروطیت اول^{۳۰} به اوج رسید. تنظیمات خیریه، نهضتی نوگرا و اصلاح طلب در ساختار سیاسی - حقوقی، فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی عثمانی در قرن نوزدهم بود. از سال ۱۸۳۹ بعد از شکل‌گیری پارلمان توسط بوروکرات‌های عثمانی به رهبری مدحت پاشا^{۳۱} (۱۸۲۲-۱۸۴۴) و اعلام قانون اساسی اول برای نخستین بار در جهان اسلام در سال ۱۸۷۶ ادامه پیدا کرد.

ساختار این قانون اساسی در مشروطه دوم^{۳۲} نیز حفظ شد. مشروطه اول عثمانی با آغاز حکومت سلطان عبدالحمید دوم در رکودی ۳۰ ساله فرو رفت. در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست میلادی ائتلافی از چند گروه سیاسی تجددگرا اعم از

ملی‌گرا، مشروطه‌خواه و اصلاح‌طلب، جنبشی علیه سلطان عبدالحمید دوم با نام ترکان جوان عثمانی^{۳۳} به‌راه انداختند و در سال ۱۹۰۶ جمعیت اتحاد و ترقی^{۳۴} را بنیان نهادند که در سال ۱۹۰۸ منجر به وقوع دومین مشروطه عثمانی گردید.

جمعیت اتحاد و ترقی ترکان جوان بعدها در قالب حزب سیاسی تا سال ۱۹۱۸ به فعالیت خود ادامه داد. این اصلاحات بعد از استقرار جمهوری توسط مصطفی کمال آتاتورک به صورت جدی دنبال شد.

تغییرات عمده‌ای که پس از به پایان رسیدن جنگ جهانی اول در نظم بین‌المللی و ساختار ژئوپولیتیکی دنیا به وجود آمد، سبب فروپاشی امپراتوری‌های کهن عثمانی، تزاری روسیه و اتریش شد و استقلال دولت‌ها و کشورهای جدیدی را فراهم آورد و یک جهان دوقطبی با بازیگران اصلی امپریالسیم به رهبری آمریکا و نظام سوسیالیستی با هدایت اتحادیه جماهیر شوروی ظهور کرد.

افول قدرت عثمانی، در این نظم دوقطبی، منطقه خاورمیانه را بیش از هر نقطه‌ای از جهان دچار تغییر و بحران سیاسی - اقتصادی کرد. پیمان سور^{۳۵} و پس از آن پیمان لوزان^{۳۶} بخش خاورمیانه‌ای امپراتوری عثمانی را به چند کشور عربی مستقل و غیرمستقل تقسیم کرد و بر اساس همان پیمان سور، عراق، اردن و فلسطین تحت قیمومیت انگلیس، و سوریه و لبنان تحت قیمومیت فرانسه قرار گرفت و بعد از آن با پیمان مونترو^{۳۷} حاکمیت جمهوری جدید ترکیه بر تنگه‌های بسفر^{۳۸} و داردانل^{۳۹} به رسمیت شناخته شد.

مصطفی کمال آتاتورک در جنگ با فرانسه، ایتالیا، انگلیس و یونان به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافت و با اعلام انحلال سلطنت عثمانی، جمهوری ترکیه را بنا نهاد. جمهوری ترکیه امروزی با پشتوانه یک امپراتوری ۶۲۵ ساله، میراث‌دار سلطنت و خلافت شد. نهادهای اجتماعی سکولار از سال ۱۹۲۳ با سقوط امپراتوری عثمانی و تشکیل جمهوری ترکیه روی کار آمدند. جمهوری نوپای ترکیه به ملیت و هویتی نوین نیاز داشت که جایگزین خلافت به ارث رسیده از عثمانی شود.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رویارویی با تمدن جدید غرب، حوزه فرهنگ بود. اصلاحات آموزشی قبل از دوره تنظیمات با تاسیس مدارس تربیت پرستل دولتی با نام‌های مکتب موسیقی همایونی^{۴۰} (۱۸۲۸)، مکتب عمومی حریبه شاهانه^{۴۱} (۱۸۳۱) و مکتب معارف عدلیه^{۴۲} (۱۸۳۸) شروع شد. نیاز به تربیت نیروی انسانی مجرب برای اجرای مفاد فرمان تنظیمات، مدارس جدید تاسیس و قوانین نوین وضع شد. تاسیس نهاد شورای آموزش عمومی^{۴۳} (۱۸۴۶)، نهاد آموزش و پرورش^{۴۴} (۱۸۴۷)، اولین دانشسرای عالی^{۴۵} به نام دارالفنون^{۴۶} (۱۸۷۳)، آکادمی‌های تربیت معلم دختران^{۴۷} و تربیت معلم پسران^{۴۸} (۱۸۴۸)، آکادمی علوم^{۴۹} (۱۸۵۱)، اعطای مجوز به ناشران بخش خصوصی و شرکت‌های چاپ و نشر کتاب و مطبوعات (۱۸۵۷)، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی^{۵۰} (۱۸۵۹)، تصویب آیین‌نامه مطبوعات و روزنامه‌نگاری^{۵۱} (۱۸۶۴)، اداره تالیف و ترجمه^{۵۲} (۱۸۶۶)، مدرسه سلطانی گالاتاسارای^{۵۳} (۱۸۶۸)، مجلس کبیر معارف^{۵۴} (۱۸۶۹)، مدارس دخترانه و پسرانه رشدیه^{۵۵} (۱۸۷۴)، مدارس دخترانه و پسرانه سییان^{۵۶}، مدارس ایدادی^{۵۷}؛ و تصویب آیین‌نامه‌های مربوطه مانند آیین‌نامه آکادمی تربیت معلم^{۵۸} (۱۸۵۱)، آیین‌نامه دانشکده صنعت^{۵۹} (۱۸۶۸)، آیین‌نامه دانشکده پزشکی^{۶۰} (۱۸۷۰)، آیین‌نامه آموزشی جمعیت اسلامی^{۶۱} (۱۸۷۱)، از جمله دست‌آوردهای فرهنگی دوره تنظیمات به شمار می‌رود.

ادبیات یکی از شاخه‌های اصلی این حوزه با زیر شاخه‌های شعر، رمان، نمایش‌نامه و روزنامه‌نگاری، دچار تحولات جدی شد. افول ادبیات کلاسیک دیوانی و پیدایش ادبیات مدرن ترکیه تحت تاثیر رویدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره، در ترکیه و جهان بود. تلاش نویسندگان ایده‌آلیست و توانمند، در مدت کوتاه ۴۰ تا ۵۰ ساله، توانست بر سطره چند صد ساله ادبیات کلاسیک دیوانی پایان دهد.

آغاز ادبیات مدرن، ۲۰ سال پس از آغاز جریان اصلاحات نوگرا در ساختار سیاسی، نظامی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی امپراتوری عثمانی صورت پذیرفت. این جریان

با انتشار روزنامه ترجمان/حوال^{۶۲} از سوی ابراهیم شناسی^{۶۳} (۱۸۷۱-۱۸۲۶) در ۱۸۶۰ آغاز شد. شاعران و نویسندگان با هنر و ادبیات نقش مهمی در آگاه‌سازی مردم علیه استبداد داشتند.

جریان ادبی تنظیمات

ادبیات در دوره تنظیمات با ترجمه آثار ادبی غرب جان گرفت. حق، عدالت، آزادی و وطن موضوعات محوری آثار ادبی بودند. زبان نگارشی ادبیات این دوره ساده‌سازی و برای عموم مردم قابل درک شد. ترجمه نمایش‌نامه‌های معروف دنیا و نگارش نمایش‌نامه‌های مدرن و ظهور تئاتر مدرن یکی دیگر از عوامل آشنایی مردم با اندیشه‌های نو بود.

بر خلاف ادبیات کلاسیک دیوانی، گرایش به ادبیات موضوعی شروع شد. پیشگامان این دوره با الهام از ادبیات غرب به‌خصوص فرانسه در تمام شاخه‌های ادبی، آثار جدیدی ارائه دادند. در دوره تنظیمات بیشترین نوآوری ادبی مربوط به شعر بود. محتوی و موضوع کاملاً متنوع و جدید با همان قالب‌های شعری ادبیات دیوانی ارائه شد.

علاوه بر قالب عروض، در آثار این دوره اوزان هجایی^{۶۴} به‌کار رفته است. موضوعاتی چون قانون، عدالت، حق، آزادی، برابری، مدنیت در قالب غزل، قصیده ترکیب‌بند مشاهده می‌شود.

رمان به معنای امروزی با ترجمه آثار غربی وارد ادبیات ترکیه شد. اولین اثر در قالب رمان، ترجمه‌ی خلاصه‌شده‌ای از کتاب *ماجرای تلماک*^{۶۵} اثر فرانسوا فنلون^{۶۶} توسط یوسف کامیل پاشا^{۶۷} (۱۸۶۳-۱۸۶۳) بود که در سال ۱۸۵۹ با نام ترجمه *تلماک*^{۶۸} به چاپ رسید. در این دوره ترجمه آثار دیگری نیز با این سبک منتشر شدند. با این حال، زبان سنگین، بزرگ‌ترین مشکل در این آثار بود و استفاده سنتی از زبان

قدیمی برای رمان غربی مناسب نبود. مشکل دیگر تفاوت اخلاقی فرهنگ غربی با فرهنگ عثمانی بود که نباید آثاری ترجمه شده مغایر با اخلاق اسلامی می‌بودند. دوره ادبی تنظیمات، به دو دوره ادبیات دوره اول و ادبیات دوره دوم تنظیمات تقسیم می‌شود.

ادبیات دوره اول تنظیمات^{۶۹} (۱۸۶۰-۱۸۷۶)

هنر برای مردم نگرش اصلی این دوره ادبی است. در شعر این دوره، تاکید بر محتوا بود. روایت در شعر تغییر ملموسی پیدا کرد. استفاده از زبان ساده و روان برای بیان موضوعات اجتماعی مانند برابری، آزادی، عدالت و قانون، هر چند بصورت ابتدایی رواج پیدا کرد. ادبیات مردمی^{۷۰} و استفاده از اوزان هجایی طرفداران جدیدی پیدا کرد ولی قالب‌های منظوم شعر دوره ادبیات دیوانی مانند غزل، قصیده و ترکیب‌بند کاملاً حذف نشد.

نقد‌های جدی بر ادبیات دیوانی در مقالات و کنفرانس‌های ادبی آغاز شد. نامیک کمال^{۷۱} (۱۸۴۰-۱۸۸۸) در مقاله خود با عنوان برخی ملاحظات در مورد ادبیات زبان عثمانی^{۷۲}، از تاثیر شعر به روشنگری و آموزش مردم اشاره می‌کند.

با الهام از ادبیات فرانسه و رواج مکتب هنری رمانتیسزم، نقد ادبی رایج شد. نشانه‌گذاری نگارشی وارد ادبیات شد. داستان‌نویسی از نظر تکنیکی ضعیف بود طوری که نویسندگان با قطع روند داستان به خواننده توضیحات را ارائه می‌داد که از طرح منسجم داستانی پیروی نمی‌کردند. ادبیات حرفه نبود و اغلب نویسندگان و شعرا در ادارات دولتی و امور سیاسی شاغل بودند. رمان این دوره با کتاب‌های داستان کوتاه احمد میدحات افندی^{۷۳} (۱۸۴۴-۱۹۱۲) با نام *کیس‌دان حیسه*^{۷۴} و *لطایف روایات*^{۷۵} در سال ۱۸۷۰ شروع شد. در رمان اغلب تاثیر و تکنیک مدح-گویی دیده می‌شود. روند خلق داستان، بر پایه یک رویداد پیش می‌رفت و نویسنده همانند یک راوی در طول اثر اتفاقات را همچون گفت‌وگو با خواننده روایت می‌کرد.

هدف این داستان‌ها آموزش فرد و جامعه بود و موضوعاتی چون سیاست، دین، اخلاق و فلسفه به صورت مستقیم یا در شرح وقایع داستان به خواننده منتقل می‌شد. قهرمانان سیاه یا سفید، غالباً افرادی طبیعی بودند که از متن زندگی برآمده بودند. در پایان حوادث، افراد خوب اغلب پاداش می‌گرفتند و افراد بد یا جنایتکاران مجازات می‌شدند. توصیف مکان و محیط اغلب برای تزئین اثر بود ولی تصویرسازی شخصیت‌های داستان به دقت انجام می‌شد طوری که گاهی در روند داستان توقف ایجاد می‌شد.

از پیشروان این جریان و نهضت ادبی، ابراهیم شناسی، نامیک کمال، احمد میدحات افندی، شمس الدین سامی^{۷۶} (۱۸۵۰-۱۹۰۴) و احمد وفیق پاشا^{۷۷} (۱۸۲۳-۱۸۹۱) را می‌توان نام برد.

ادبیات دوره دوم تنظیمات^{۷۸} (۱۸۷۶-۱۸۹۶)

نگرش نویسندگان و شعرای این دوره به هنر، با دوره اول جریان ادبی تنظیمات متفاوت بود. با شعار هنر برای هنر به موضوعات فردی و واقعیت‌های روزمره پرداختند. آثار ادبی غرب در این دوره با ترجمه‌های بهتری ارائه شد. نویسندگی شغل محسوب شد. زبان نگارش نسبت به دوره اول سنگین‌تر است. داستان‌نویسی از اندیشه‌های رئالیستی و ناتورالیستی و شعر از رمانتیسم تاثیر گرفت. تکنیک‌های نویسندگی هم ارتقا یافت.

در این دوره مقالات ادبی جای مقالات اجتماعی و سیاسی را گرفت. مرگ، ناامیدی، عشق و اندیشه‌های فلسفی موضوع اصلی اغلب شعرها شد. باور نویسندگان این دوره بر این اساس است که هر چیز زیبایی می‌تواند موضوع یک شعر باشد. شعر این دوره الهام‌بخش اصلی دوره بعد از خود یعنی دوره ثروت فنون^{۷۹} (ادبیات جدید^{۸۰}) شد.

از پیشروان این جریان و نهضت ادبی رجایی‌زاده محمود اکرم^{۸۱} (۱۸۴۷-۱۹۱۴)، عبدالحق حامد تارهان^{۸۲} (۱۸۵۲-۱۹۳۷)، سامی پاشا‌زاده سزایی^{۸۳} (۱۸۶۰-۱۹۳۶)، معلم ناجی^{۸۴} (۱۸۵۰-۱۸۹۳)، دیرکتور علی بی^{۸۵} (۱۸۴۴-۱۸۹۹) و نبی‌زاده ناظم^{۸۶} (۱۸۶۲-۱۸۹۳) را می‌توان نام برد.

جریان ادبی ثروت فنون (۱۸۹۶-۱۹۰۱)

دوره ادبی ثروت فنون «ادبیات جدید» با سر آمدن دوره تنظیمات در ۱۸۹۶ آغاز شد. این جریان ادبی نام خود را از هفته‌نامه‌ای به همین نام گرفته است. نشریه در سال ۱۸۹۶ توسط رجایی‌زاده محمود اکرم و با همکاری دو تن از شاگردانش به نام‌های احمد احسان توک‌گوز^{۸۷} (۱۸۶۸-۱۹۴۲) و توفیق فکرت^{۸۸} (۱۸۶۷-۱۹۱۵) به ارگان مطبوعاتی جریان ادبی ثروت فنون تبدیل شد. بعدها توفیق فکرت به یکی از چهره‌های تاثیرگذار ادبیات مدرن ترکیه تبدیل شد. به این دلیل در برخی از منابع این جریان را با نام مکتب توفیق فکرت و خالد ضیاء اوشاقلی گیل^{۸۹} (۱۸۶۶-۱۹۴۵) نیز معرفی می‌کنند.

جریان ادبی ثروت فنون ضمن تاثیر گرفتن از ادبیات تنظیمات، با پای‌بندی به برخی از چارچوب‌های ادبیات دیوانی، قافیه را امری شنیداری شمرد و قالب مستزاد^{۹۰} را، با تاثیر از شعر فرانسه، به شعر آزاد نزدیک کردند و بدین ترتیب قالب جدیدی به وجود آمد که مستزاد آزاد نامیده شد.

بیشتر شاعران و نویسندگان جریان ثروت فنون تحصیل‌کرده مدارس دوره تنظیمات بودند. همچنین از همان نوجوانی تحت تاثیر ادبیات غرب، به ویژه با مکتب‌های هنری و ادبی مدرن، قرار گرفته بودند. آن‌ها در اواخر دوره امپراتوری عثمانی و هم‌زمان با تشدید استبداد سلطان عبدالحمید ما بین مشروطیت اول و دوم رشد یافته بودند و این اوضاع بر آثار نظم و نثر آنان تاثیر گذاشته بود. ادبیات ثروت فنونی به- دلیل اعمال شدید سانسور، ادبیاتی سیاست‌گریز و به شدت عاطفی، درون‌نگر،

فردگرا و مایوس بود. شاعران و نویسندگان این جریان، آگاهانه از پرداختن به مسائل و مشکلات اجتماعی طفره می‌رفتند و در صورت ارائه اثر اعتراضی، آن را در قالب استعاره‌های سنگین ارائه می‌کردند. آن‌ها بر اصل هنر برای هنر تأکید می‌کردند. به این سبب مخاطب این جریان ادبی اغلب روشنفکران و نخبگان بودند و بین عوام طرفدار کمتری داشت.

بعضی از آنان، مانند جناب شهاب‌الدین^{۹۱} (۱۸۷۰ - ۱۹۳۴)، هنگام اقامت در پاریس با مکاتب ادبی پارناسیسم و سمبولیسم آشنا شدند و تحت تأثیر آن به سرودن شعر پرداختند. خالد ضیاء اوشاقلی گیل، که زبان فرانسه را در یک مدرسه راهبی آموخته بود، در فرم ازرنالیسم و در تکنیک از برادران گنکور^{۹۲} تقلید می‌کرد.

در این دوره تحول بزرگی در رمان‌نویسی رخ داد. داستان مدرن که با دوره تنظیمات وارد ادبیات شده بود، در این دوره به بلوغ رسیده و رمان ترکی به معنای غربی در این دوره ظهور کرد. داستان تحت تأثیر رنالیسم و ناتورالیسم به فضای شهر استانبول و موضوعات آن دوره پرداخت. همچنین، موضوعات رمان نیز به دلیل فشارهای سیاسی و سانسور، موضوعات فردی و گاهی درون‌گرایانه و بدبینانه بود. رمان سپتامبر^{۹۳} اثر محمد رنوف^{۹۴} (۱۸۷۵ - ۱۹۳۱) و آبی و سیاه^{۹۵} و عشق ممنوع^{۹۶} اثر خالد ضیاء اوشاق گیل از رمان‌های مشهور این دوره‌اند.

داستان کوتاه نیز نسبت به دوره تنظیمات متحول شد. آثار جدی با موضوعات مختلف و نگاهی درون‌گرایانه ظهور کرد. نویسندگان در داستان‌های کوتاه تحت تأثیر رنالیسم، با زبان فانتزی و استفاده از کلمات قدیمی نوشتند. داستان کوتاه با موضوعات فردی مانند عشق، زن، ازدواج، طبیعت، تنهایی، ناامیدی ناشی از تعارض بین تخیل و حقیقت و دیدگاه بدبینانه بودند. شخصیت زن در داستان‌های کوتاه روحیه‌ای هنری داشت، به زبان خارجی صحبت می‌کرد، دوست داشتی و لطیف بود. شخصیت مردها، غالباً از طبقه بروکرات، ثروتمند و متشخص بودند. روابط زن و مرد هم غربی می‌شود.

تأثیر پارناسیسم و سمبولیسم بر شعر در بیان احساسات درونی علاوه بر موضوع و محتوا بر شکل و قالب نیز تأثیر بسیاری گذاشت. واژه‌های قدیمی فارسی و عربی ادبیات دیوان به روز و با واژگان فرانسوی ترکیب شد.

جریان ثروت فنون با وجود این که مخاطبان عام نداشت و انتقادهایی بر آن وارد بود، توانست در دوره کوتاه حیات خود، نوآوری‌ها و دستاوردهای ماندگاری در ادبیات ترکی در قالب شعر، داستان کوتاه و بلند، سفرنامه، خاطره، مقاله و نقد ادبی پدید آورد. یکی از نقدهای وارده، استفاده از ساختارهای دستوری غیر متعارف بدون فعل، جملات ناتمام، وفور استعارات و تشبیهات بود.

از بنیان این جریان ادبی رجایی زاده محمود اکرم و توفیق فکرت و از پیشروان آن شاعرانی نوگرا مانند جناب شهاب‌الدین، سلیمان نظیف^{۹۷} (۱۸۷۰-۱۹۲۷)، فائق علی اوزون سوی^{۹۸} (۱۸۷۶-۱۹۵۰)، علی اکرم بول آیر^{۹۹} (۱۸۶۷-۱۹۳۷)، سلیمان نسیب^{۱۰۰} (۱۸۶۶-۱۹۱۷)، حسین سعاد یالچین^{۱۰۱} (۱۸۶۷-۱۹۴۲)، حسین سیرت اوزسور^{۱۰۲} (۱۸۷۲-۱۹۵۹)، احمد رشیدری^{۱۰۳} (۱۸۷۰-۱۹۵۵) و جلال ساهر اراوزان^{۱۰۴} (۱۸۸۳-۱۹۳۵) و داستان‌نویسانی چون خالدضیا اوشاقلی گیل (۱۸۹۵-۱۹۴۵)، محمد رنوف (۱۸۷۵-۱۹۳۱)، حسین جاهد یالچین^{۱۰۵} (۱۸۷۵-۱۹۵۷)، احمد حکمت مفتی اوغلو^{۱۰۶} (۱۸۷۰ - ۱۹۲۷)، صفوتی ضیا^{۱۰۷} (۱۸۷۵-۱۹۲۹) را می‌توان نام برد.

جریان ادبی فجر آتی^{۱۰۸} (۱۹۰۹ - ۱۹۱۲)

فجر آتی با وجود عمر کوتاه خود تأثیری جدی بر روند شکل‌گیری ادبیات مدرن ترکیه داشته است. تکیه بر مضامین فردی در شعر و استفاده از زبان محاوره توانست مسیری جدید بعد از تنظیمات و ثروت فنون باز نماید.

در ماه مارس ۱۹۰۹، هشت سال پس از افول جریان ثروت فنون و یک سال پس از اعلان مشروطیت دوم و باز شدن فضای سیاسی استبدادی دوره سلطان عبدالحمید،

گروهی از شاعران و نویسندگان جوان با بیان اندیشه‌ی ادبی فجر آتی جریان نوینی را پایه گذاری کردند. هنر از دید آن‌ها امری شخصی و جدی بود. جالب این‌که خبر را مجله ثروت فنون منتشر کرد.

فوریه ۱۹۱۰ این انجمن با انتشار بیانیه‌ای^{۱۱۹} دیدگاه خود در مورد ادبیات و جایگاه آن در جامعه و وظیفه آن را منتشر کرد. این اولین بیانیه ادبی در تاریخ ادبیات ترکیه به شمار می‌رود. بانیان این جریان خواستار نشر آثار خود در مجله‌ای شدند که نهاد تبلیغاتی فجر آتی باشد. در ابتدا از نشریه ثروت فنون درخواست کردند تا تریبون آن‌ها باشد که پذیرفته نشد. نشریه ثروت فنون صرفاً چاپ آثار آن‌ها را پذیرفت. ولی اعضای آن به مرور به این جنبش فجر آتی پیوستند. ولی در نهایت نتوانست نشریه‌ای مستقل که نهاد تبلیغاتی باشد منتشر کند. لذا آثار آن‌ها که اغلب هم‌خوانی موضوعی با هم نداشت در بعضی از نشریات ادبی مانند *ثروت فنون*^{۱۲۰}، *مجموعه ادیبیه*^{۱۲۱}، *مقتبس*^{۱۲۲}، *زاله*^{۱۲۳}، *شهبال*^{۱۲۴} و *چچوک باحچه‌سی*^{۱۲۵} منتشر شد. هر کدام از آنان بر اساس اصل شخصی بودن هنر، راه خود را در پیش گرفتند و به موازین فعالیت گروهی چندان پای‌بندی نشان ندادند. در نتیجه به تدریج از یکدیگر و اهداف انجمن دور شدند. چنان‌که برخی از آن‌ها در شعر، به مکتب پارناسیسم و برخی دیگر به سمبولیسم و امپرسیونیسم تمایل نشان می‌دادند. در رمان‌نویسی عموماً رئالیسم و ناتورالیسم را ترجیح دادند.

تمرکز اصلی، همانند ثروت فنون در شعر مضامین رمانتیک عشق و بیان احساس با تصورات پر از تخیل بود. کلمات فارسی و عربی پر کاربرد و استفاده از وزن عروض و قالب غزل هنوز مرسوم بود. تحت تاثیر سمبولیسم فرانسه شکل مستزاد آزاد ثروت فنون، به شعر آزاد تبدیل شد.

از نگاه شاعرانی همچون احمد هاشم^{۱۲۶} (۱۸۸۷-۱۹۳۳)، «شعر برای فهمیدن نیست بلکه برای حس کردن است». وی شعر را بیشتر از کلام به موسیقی نزدیک می‌داند، چون کلمات با معنای‌شان نه که با صدای‌شان همراه‌اند.

فجر آتیدر داستان‌نویسی از نظر تکنیک و محتوا ضعیف و از نظر زبان و اسلوب بیان و بینش ادبی نیز همچنان پیرو ثروت فنون بود. تأثیرات رئالیسم و طبیعت‌گرایی را می‌توان در آثار این نویسندگان مشاهده کرد.

انجمن سرانجام در حدود سه سال و نیم پس از تشکیل خود در نتیجه‌ی پراکنده شدن اعضا، از هم پاشید و بیشتر جداشدگان از آن به گروه نشریه قلم‌های جوان^{۱۱۷} و جریان نوپیدای ادبیات ملی^{۱۱۸} پیوستند.

از پیشروان این جریان و نهضت ادبی می‌توان جلال ساهر اراوزان (۱۸۸۳-۱۹۳۵)، رئیس انجمن، حمدالله صبحی تانری اوور^{۱۱۹} (۱۸۸۵-۱۹۶۶)، احمد صمیم^{۱۲۰} (۱۸۸۴-۱۹۱۰)، احمد هاشم (۱۸۸۷-۱۹۳۳)، امین بولند سردار اوغلو^{۱۲۱} (۱۸۸۶-۱۹۴۲)، تحسین ناهید^{۱۲۲} (۱۸۸۷-۱۹۱۹)، جمیل سلیمان آلیاناک اوغلو^{۱۲۳} (۱۸۸۶-۱۹۴۰)، رفیق خالد کارای^{۱۲۴} (۱۸۸۸-۱۹۶۵)، شهاب الدین سلیمان^{۱۲۵} (۱۸۸۵-۱۹۲۱)، عبدالحق خیری^{۱۲۶} (۱۸۹۰-۱۹۱۸)، عزت ملیح دوریم^{۱۲۷} (۱۸۸۷-۱۹۶۶)، علی جانبپ یونتم^{۱۲۸} (۱۸۸۷-۱۹۶۷)، علی سها دلیل باشی^{۱۲۹} (۱۸۸۸-۱۹۶۰)، محمد فؤاد کوپرولو^{۱۳۰} (۱۸۹۰-۱۹۶۶)، فاضل احمد آیکاج^{۱۳۱} (۱۸۸۴-۱۹۶۷)، محمد بهجت یازار^{۱۳۲} (۱۸۹۰-۱۹۸۰)، مفید راتب^{۱۳۳} (۱۸۸۷-۱۹۲۰)، یعقوب قدری کارا عثمان اوغلو^{۱۳۴} (۱۸۸۹-۱۹۷۴) را نام برد.

رفیق خالد کارای، یعقوب قدری کارا عثمان اوغلو، عزت ملیح دوریم و سلیمان آل-یاناک اوغلو مهم‌ترین نویسندگان رمان و داستان این دوره هستند، که بعداً به جنبش ادبیات ملی پیوستند.

جریان ادبی ادبیات ملی

این جنبش ادبی قرن بیستم علاوه بر ادبیات، در سیاست نیز موثر بود. این جنبش اعلامیه ادبی خاصی نداشت و زمان تاسیس دقیقی برای آن نمی‌توان قایل شد. فعالیت آن بین دوره مشروطیت دوم (۱۹۱۸-۱۹۰۸) تا سال‌های اول جمهوریت با

حمایت از جنبش زبان نو^{۱۳۵} در نشریه قلم‌های جوان توسط علی جانپ یونتم، عمر سیف‌الدین^{۱۳۶} (۱۸۸۴-۱۹۲۰) و ضیا گوگ آلف^{۱۳۷} (۱۸۷۶-۱۹۲۴) آغاز شد.

در لیست دوره ادبیات ملی، شخصیت‌ها و آثار متفاوتی وجود دارد. تعریف ادبیات ملی نیز در مسیر خود کم و بیش تغییر کرده است. شاید به این دلیل است در بعضی از منابع تاریخ ادبیات ترکیه، جریان ادبی ادبیات ملی با ادبیات مجادله ملی^{۱۳۸} و ادبیات دوره متارکه^{۱۳۹} به اشتباه یکی تلقی شده‌اند. عبارت ادبیات ملی را در سال ۱۹۱۰ علی جانب یونتم در نشریه قلم‌های جوان برای اولین بار به کار برد. این نشریه محل نشر آثار پیشگامان جریان ادبی ملی در راستای ساده‌سازی زبان ادبیات و ایجاد یک زبان نگارش نوین با تأکید بر هنر و ادبیات برای عموم مردم گردید.

رواج ناسیونالیزم^{۱۴۰} و جنبش رجوع به مردم^{۱۴۱} در حوزه سیاست، توجه به منابع فرهنگی ملی را در ادبیات جلب کرد. منظور از بازگشت به منابع فرهنگی ملی، استفاده از زبان محاوره‌ای و اوزان هجایی به جای عروض در شعر، معادل‌سازی عبارات عربی و فارسی، جهت‌گیری در محتوا، و پرداختن به مسائل اجتماعی بود. ادبیات بیش از تقلید از شرق و غرب بیشتر معطوف به منابع ملی در قالبی مدرن شد. با این حال با اعتراض جریان‌های عثمانی‌گرا و گروه قلم‌های جوان نیز روبه‌رو شد. اما در نهایت همان‌ها نیز به جنبش پیوستند.

سرانجام طرفداران جنبش زبان نو توانستند زبان محاوره را با ادبیات پیوند دهند. این جنبش در دوره جمهوریت نیز پیش رفت و به زبان ترکی استانبولی امروزی منتهی شد.

از ویژگی‌های مهم رمان، استفاده از زبان محاوره در نوشتار با موضوعاتی از زندگی همه اقشار و همه شهرهای ترکیه (نه صرفاً استانبول) و ملی‌گرایی است.

مهم‌ترین رمان‌نویسان رنالیست این دوره عمر سیف‌الدین، یعقوب قدری کاراعثمان اوغلو، رفیق خالد کارای، رشاد نوری گلتکین^{۱۴۲} (۱۸۸۹-۱۹۵۶)، ممدوه شوکت

اسندال^{۱۴۳} (۱۸۸۳-۱۹۵۲) و نویسندگان ناتورالیسم صلاح‌الدین انیس^{۱۴۴} (۱۸۹۲-۱۹۴۲) و فخری جلال‌الدین گوگ‌تولقا^{۱۴۵} (۱۸۹۵-۱۹۷۵) هستند.

تمایل خواننده به شوخ طبعی و هجو اجتماعی در دوران مشروطه و دوره متارکه باعث ظهور بسیاری از مجلات طنز شد. در نتیجه امثال عمر سیف‌الدین، رفیق خالد کارای، ارجمند اکرم^{۱۴۶} (۱۸۸۶-۱۹۵۶)، سرمد مختار آلوس^{۱۴۷} (۱۸۸۷-۱۹۵۲)، رشاد نوری گل‌تکین، محمود یساری^{۱۴۸} (۱۸۹۵-۱۹۴۵) و فخری جلال‌الدین گوگ‌تولقا به طنز روی آوردند.

از پیشروان این جریان و نهضت ادبی می‌توان محمد فؤاد کوپرولو، علی جانبی، یوتم، محمد امین یورداکول^{۱۴۹} (۱۸۶۹-۱۹۴۴)، ضیا گوک آلپ، یحیی کمال^{۱۵۰} (۱۸۸۴-۱۹۵۸)، عمر سیف‌الدین، خالده ادیب آدی وار^{۱۵۱} (۱۸۸۴-۱۹۶۴)، یعقوب قدری قراعثمان اوغلو و رشاد نوری گون تکین^{۱۵۲} (۱۸۸۹-۱۹۵۶)، رفیق خالد کارای، محمد عاکف ارسوی^{۱۵۳} (۱۸۷۳-۱۹۳۶)، خالده نصرت زورلوتونا^{۱۵۴} (۱۹۰۱-۱۹۸۴) را نام برد.

جریان شعری پنج هجایی^{۱۵۵} (۱۹۱۴-۱۹۲۰)

با شروع جنگ‌های بالکان^{۱۵۶} و جنگ جهانی اول (۱۹۱۴)، جنبش ادبیات ملی وارد رکود شد و تا شروع دوره ادبیات جمهوریت فاصله افتاد. در این اثنا جریان شعری هجایی ظهور کرد.

جنبش پنج هجایی (جریان ادبی پنج شاعر وزن هجا^{۱۵۷}) زیر شاخه اصلی جریان ادبی ادبیات ملی به شمار می‌رود.

آنها در طول جنگ جهانی اول و مجادله ملی شعر را شروع کردند و در طول سالهای آتش بس به شهرت رسیدند.

توسط پنج شاعر جوان، خالد فخری اوزان سوی^{۱۵۸} (۱۸۹۱-۱۹۷۱)، انیس بهیچ کوریورک^{۱۵۹} (۱۸۹۲-۱۹۴۹)، اورهان سیفی اورهون^{۱۶۰} (۱۸۹۰-۱۹۷۲)، یوسف

ضیا اورتاج^{۱۶۱} (۱۸۹۵-۱۹۶۷) و فاروق نافذ چاملی بل^{۱۶۲} (۱۸۹۸-۱۹۷۳) ظهور کرد. آن ها ابتدا پیرو قالب عروضی جریان ثروت فنون بودند، ولی تحت تاثیر ضیا گوک آلف و عمر سیف الدین به سرودن شعر هجایی و زبان محاوره ای با موضوعات ملی و رویکرد به فرهنگ آناتولی پرداختند. شعر آن ها اغلب در اوزان ۱۱ هجایی چهاربندی بود. وزن ۳، ۴، ۵، ۸ هجایی نیز دیده می شد. در این دوره نمونه هایی از قالب های شعری ادبیات غرب مانند قافیه متقاطع در بیت چهاربندی^{۱۶۳}، قافیه محصور^{۱۶۴}، سه مصراعی منظوم^{۱۶۵}، غزلواره^{۱۶۶} و قافیه ساده ارائه می دهند. این نوع شعر در بین طبقات مختلف جامعه طرفداران بسیاری پیدا کرد.

این شاعران اعلامیه ی مشترکی ندارند. در موضوع آثار دیدگاه هم سویی به چشم نمی خورد. قهرمانی، عشق، زن، اشتیاق، جدایی، حسادت، نیاز به ایمان، تصاویر طبیعت، خاطرات، مرگ، تنهایی و وطن مضمون اصلی آثار آن هاست. در آثار رنالیستی، مضامین رمانتیسیسم نیز غالب بود.

پنج هجایی یک جریان شعری است ولی برخی از این شاعران در ژانر رمان هم قلم زده اند. رمان های دکتری برای عایشه^{۱۶۷} و باران ستاره^{۱۶۸}، اثر فاروق نافذ چاملی بل، آسری کرم^{۱۶۹} و شب عروسی^{۱۷۰} اثر اورهان سیفی اورهون، قدرت^{۱۷۱} و خانه سه طبقه^{۱۷۲} اثر یوسف ضیا اورتاج، پلی راکه آب برد^{۱۷۳} اثر خالد فخری اوزون سوی، از این قبیل هستند.

ادبیات جریان ادبی واقع گرایان اجتماعی^{۱۷۴}

دهه ۱۹۳۰ در جهان، با انعکاس ایدئولوژی سوسیالیسم بر هنر و ادبیات با تاکید بر جنبه های انسانی ظهور کرد.

ماکسیم گورکی و میخائیل شولوخوف در ادبیات روسیه و جک لندن و جان اشتاین بک در ادبیات آمریکایی نمایندگان اصلی این جنبش هستند.

نویسندگان و شاعران ترک این جریان ادبی در آثارشان به مشکلات زندگی در روستا، مشاجرات مالکیت اراضی، درگیری بین مالکان و خان‌ها با روستاییان، مشکلات ناشی از مهاجرت روستاییان به شهر، مبارزات کارگری و مشکلات کارگران صنایع، انتقاد از سبک زندگی در شهرهای بزرگ، آزادی، صلح و فقر پرداختند.

رمان روایی با رویکرد واقع‌گرایانه اجتماعی در ادبیات ترکیه دیده می‌شود. در این رمان‌ها مردم آناتولی قهرمان اصلی داستان و مکان زندگی و روحيات آن‌ها با نگاهی واقع‌بینانه و با عبارات محلی و استفاده از زبان ساده توصیف شده است.

شعر به گرایش سوسیالیستی با پیشگامی ناظم حکمت (۱۹۰۲-۱۹۶۳) از دهه ۱۹۳۰ به مشکلاتی مانند غم نان، عدم تحصیلات، فشارهای فئودالی و سیاسی، استثمار و نابرابری مبارزه ملی پرداخت. توجه به مفهوم در شعر به جای فرم و ترجیح شعر آزاد با هماهنگی در کلمات و تکرار در آوا دیده شد. این جریان شعری به این دلیل استفاده‌ی ابزاری از ایدئولوژی در شعر و بی‌توجهی به زیبایی‌شناسی مورد انتقاد قرار گرفته است.

ناظم حکمت، آتلیا ایلهان، احمد عارف (۱۹۲۷-۱۹۹۱)، جان یوجل^{۱۷۵} (۱۹۲۶-۱۹۹۹)، ارچمند بهزاد لار^{۱۷۶} (۱۹۰۳-۱۹۸۴)، صدری ارتم^{۱۷۷} (۱۸۹۸-۱۹۴۳)، صباح‌الدین علی^{۱۷۸} (۱۹۰۷-۱۹۴۸)، رشاد انیسایگن^{۱۷۹} (۱۹۰۹-۱۹۸۴)، کمال طاهر^{۱۸۰} (۱۹۱۰-۱۹۷۳)، اورهان کمال^{۱۸۱} (۱۹۱۴-۱۹۷۰)، فقیر بایکورت^{۱۸۲} (۱۹۲۹-۱۹۹۹)، کمال ییل باشار^{۱۸۳} (۱۹۱۰-۱۹۸۳)، صمیم کوجا گوز^{۱۸۴} (۱۹۱۶-۱۹۹۳)، محمود ماکال^{۱۸۵} (۱۹۳۰-۲۰۱۸)، طالب آپ آیدین^{۱۸۶} (۱۹۲۶-۲۰۱۴)، عباس سایار^{۱۸۷} (۱۹۲۳-۱۹۹۹)، دورسون آک چام^{۱۸۸} (۱۹۳۰-۲۰۰۳)، یاشار کمال^{۱۸۹} (۱۹۲۳-۲۰۱۵) و نجاتی جومالی^{۱۹۰} (۱۹۲۱-۲۰۰۱)، اورهان هانچرلی اوغلو^{۱۹۱} (۱۹۱۶-۱۹۹۱)، رفعت ایلگاز^{۱۹۲} (۱۹۱۱-۱۹۹۳)، عزیز نسین^{۱۹۳} (۱۹۱۵-۱۹۹۵)، ماهیگیر هالیکارناس^{۱۹۴} (۱۸۹۰-۱۹۷۳)، حسن حسین کورکماز گیل^{۱۹۵} (۱۹۲۷-۱۹۸۴)، انور گوکچه^{۱۹۶} (۱۹۲۰-۱۹۸۱) و عارف

دامار^{۱۹۷} (۱۹۲۵-۲۰۱۰)، جاهد ایرگات^{۱۹۸} (۱۹۱۵-۱۹۷۱)، سوات تاش ار^{۱۹۹} (۱۹۱۹-۱۹۸۲)، عمر فاروق توپراک^{۲۰۰} (۱۹۲۰-۱۹۷۹)، کمال اُزر^{۲۰۱} (۱۹۳۵-۲۰۰۹)، گولتن آکین^{۲۰۲} (۱۹۳۳-۲۰۱۵)، حسن غزالدین دینامو^{۲۰۳} (۱۹۰۹-۱۹۸۹) و ایلهان برک^{۲۰۴} (۱۹۱۸-۲۰۰۸) پیشگامان اصلی جریان ادبی واقع‌گرایان اجتماعی در ادبیات ترکیه هستند.

جریان ادبی دوره جمهوریت^{۲۰۵} (۱۹۲۳- امروز)

جدا کردن این دوره از ادبیات ملی با مرزهای مشخص دشوار است. بیشتر شاعران دوره ادبیات ملی نیز به زندگی ادبی خود در دوره جمهوری ادامه داده و با درک مبتنی بر رویکردی واقع‌گرایانه اجتماعی می‌سرودند.

جریان ادبی دوره جمهوریت، در ادامه ادبیات ملی، توسعه و شکل‌گیری سریع را آغاز کرد. تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که پس از اعلام جمهوری در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ توسط مصطفی کمال آتاتورک رخ داد تأثیر بسزایی در شکل‌گیری ادبیات دوره جمهوری داشت. از نظر فرم، زبان و اندیشه برخی از ویژگی‌های ادبیات قبلی را به خود اختصاص داد. جنگ استقلال ترکیه^{۲۰۶} و اصول انقلاب آتاتورک نقش زیادی در شکل‌گیری این ادبیات دارد. روشنفکران، اصلاحات و تغییرات سیاسی را با اعلام جمهوری تجربه کردند. حکومت دینی به یک دولت دموکراتیک لایک تبدیل شد.

تصویب الفبای لاتین و تأسیس انجمن تحقیقات تاریخ ترکیه^{۲۰۷} در سال ۱۹۳۱ و انجمن تحقیقات زبان ترکی^{۲۰۸} در سال ۱۹۳۲، جنبش ساده‌سازی در زبان را سرعت بخشید. شکاف بین عموم مردم و روشنفکران از میان رفت.

در سال ۱۹۴۰، انیستیتوهای روستایی^{۲۰۹} به منظور تربیت معلمان و پرسنل بهداشتی در روستاها تأسیس شد و بعد از آن نسلی از نویسندگان از دل روستاها برخاستند. موضوع مردم و آناتولی با ادبیات دوره ملی آغاز و رکن اصل ادبیات دوره جمهوریت شد.

جریان ادبی جمهوری در سه دوره شامل دوره اول از ابتدای اعلام جمهوری تا سال ۱۹۴۰ با یک جریان ادبی به نام هفت مشعله^{۲۱۰} و دوره دوم از سال ۱۹۴۰ تا سال ۱۹۸۰ با چهار جریان نوگرای اول^{۲۱۱} یا غریب^{۲۱۲}، حصارجیان^{۲۱۳}، نوگرای دوم^{۲۱۴}، ماویجیان^{۲۱۵} و دوره سوم از سال ۱۹۸۰ تا امروز بررسی می‌شود.

ادبیات دوره اول جمهوری

- جریان ادبی هفت مشعله (۱۹۲۸-۱۹۳۳)

در سال ۱۹۲۸ شش شاعر و یک نویسنده داستان به نام‌های صبری اسد سیاوش گیل^{۲۱۶} (۱۹۶۸-۱۹۰۷)، یاشار نبی نایر^{۲۱۷} (۱۹۰۸-۱۹۸۱)، ضیا عثمان صبا^{۲۱۸} (۱۹۱۰-۱۹۵۷)، معمر لطفی بخشی^{۲۱۹} (۱۹۰۳-۱۹۴۷)، وصفی ماهر کوجاتورک^{۲۲۰} (۱۹۰۷-۱۹۶۱)، جودت قدرت سول‌اک^{۲۲۱} (۱۹۰۷-۱۹۹۲) و کنعان خلوصی کورآی^{۲۲۲} (۱۹۰۶-۱۹۴۳) اولین جریان ادبی بعد از جمهوری را پایه‌گذاری کردند. آن‌ها در نشریه ثروت فنون با یکدیگر آشنا شده بودند. آن‌ها ضمن اعلام ناراضی از روند ادبیات ترکیه به بیان دیدگاه‌شان در مورد ادبیات مدرن با شرح اصول ادبی مبتنی بر صمیمیت، صداقت، نشاط و نوآوری و نیز ضرورت پیروی از ادبیات مدرن فرانسه مخصوصاً شعرای پلنیاد^{۲۲۳} در مقدمه کتاب هفت مشعله^{۲۲۴} و متعاقباً در نشریه مشعله^{۲۲۵} پرداختند. آن‌ها با شعار هنر برای هنر در آثارشان نگاهی رئالیست‌تری نسبت به جریان‌های قبلی داشتند.

مجله مشعله، نهاد رسمی این جریان، عمر طولانی نداشت و فقط هشت شماره منتشر کرد. قانون جدید استفاده از الفبای لاتین و عدم سازگاری نویسندگان این نشریه به رسم الخط جدید و نیز مشاغل اداری بعضی از آن‌ها منجر به تعطیلی نشریه شد. ۶ شماره اول با خط قدیم چاپ شد. صفحات اول شماره‌های ۷ و ۸ مجله با الفبای لاتین و سایر صفحات با الفبای قدیمی منتشر شد. تعطیلی مجله، انحلال هفت مشعله را در پی داشت.